

جنگ حزب دمکرات با کومه له

و اعلام آتش بس یکجانبه

بخشی از جلسه ۲۶ دسامبر ۲۰۰۱ پالتاک در اتاق "با منصور حکمت"

پاسخی محکم به محکمی حقیقت به مصطفی هجری

(بازنشر نوشته مستند و مستدل حسین مرادیگی (حمه سور) در مورد

جنگ حزب دمکرات علیه کومه له

توضیح کوتاه و ضروری:

اخیراً مصطفی هجری رئیس اجرایی حزب دمکرات کردستان ایران تازه متحد شده در برنامه "به عبارت دیگر" تلویزیون بی بی سی باردیگر و نزدیک به چهار دهه بعد از جنگ تحمیلی حزب دمکرات کردستان ایران علیه کومه له، با همان استدلالات قلدرمنشانه و فرسوده و عقب مانده به ارث برده شده از عبدالرحمن قاسملو و کنگره ششم حزیشان در چهاردهه قبل، کومه له کمونیست آن دوره را مقصر آغاز جنگ بین این دو جریان معرفی کرد. بی استعدادی و دکماتیسم مصطفی هجری را گاه‌آه دیده و البته بارها از جانب هم حزیبهای قدیم و جدیدش شنیده بودم، اما این درجه از خشک مغزی و درج‌ازدن در گذشته نزد ایشان گویی "هنری" است. در چهاردهه گذشته و به ویژه بعد از ختم جنگ حزب دمکرات کردستان علیه کومه له، صد‌ها مقاله و نوشته و جزوه و مصاحبه و میزگرد و ده‌ها کتاب از جانب افراد و جریانات مختلف و از جمله فعالین صفوف این دو جریان ارائه و نوشته شده است، اما هیچ فرد و جریانی علیرغم تفاوت دیدگاهی در برخورد به این رویداد نتوانسته و یا نخواسته همانند مصطفی هجری اینچنین جاهلانه حقیقت جنگ طلبی حزب دمکرات کردستان ایران و مسئولیت مستقیم و مخرب دبیرکل وقت آن حزب، یعنی عبدالرحمن قاسملو را جعل و پرده پوشی کند.

در مقابل جعلیات مصطفی هجری و رهبری حزب دمکرات کردستان ایران هنوز باید گفت و نوشت. اما در اینجا جریانات و انسانهای حقیقت جو و خوانندگان علاقمند به مطلع شدن به رویدادهای جنگ حزب دمکرات علیه کومه له در کردستان را به مطالعه نوشته مستدل، مستند و متکی به فاکت‌های واقعی و مشخص زیر از حسین مرادیگی (حمه سور) اولین فرمانده نظامی پیشمرگ کومه له و یکی از اعضای موثر رهبری وقت این سازمان که خود مستقیماً در جریان این رویدادها بوده است، جلب میکنم. نوشته زیر تحت عنوان "جنگ حزب دمکرات علیه کومه له" بخشی از کتاب ۳۷۰ صفحه ای "تاریخ زنده- کردستان، چپ و ناسیونالیسم" اثر حسین مرادیگی منتشر شده در جولای ۲۰۰۴ است. ضمناً خود این بخش مفصلتر است، که جهت کوتاهتر شدن مطلب در اینجا با توافق رفیق حمه سور قسمتی را حذف کردم. کتاب با ارزش تاریخ زنده در سایتهای حزب کمونیست کارگری- حکمتیست و بعضی سایتهای دیگر در دسترس است.

رحمان حسین زاده
دوم سپتامبر ۲۰۲۲

صفحه ۳

کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست در روزهای

۸ و ۹ اکتبر ۲۰۲۲ در اسکاندیناوی بطور علنی برگزار میشود!



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran -
Hekmatist

۱۱ شهریور ۱۴۰۱ - ۲ سپتامبر ۲۰۲۲

در باره جنگ حزب دمکرات علیه کومه له

پاسخی به دروغ مصطفی هجری و بی بی سی

توضیح: آقای مصطفی هجری دبیر حزب دمکرات کردستان ایران در مصاحبه ای با بی بی سی در مورد اتحاد دو شاخه حزب دمکرات دروغ شایع را مبنی بر "تحمیل جنگ توسط کومه له به حزب دمکرات" عنوان میکند و مصاحبه کننده، "ژیبار گل"، علیرغم اطلاع از مآل و ماجرا و اسناد قابل دسترسی از کنار این اظهارات میگذرد و بار دیگر بی بی سی این بنگاه خبرتراشی در کمال "غیرجانبداری" توسط "خبرنگار ارشد" اش این جعل و کذب را نشر میدهد.

در سال ۲۰۰۱ زمانی که منصور حکمت بتازگی از عمل سرطانی برگشته بود، جلسات گفت و شنودی در برنامه پالتاک داشت. در یکی از سوالات که توسط رفیق خالد علی پناه طرح شد، اشاره کرد که عبدالله مهندی در جلسه ای در گوتنبرگ ادعا کرده است که "منصور حکمت جنگ را به ما تحمیل کرد!" و نظر رفیق منصور حکمت را در مورد این ادعا پرسید. در واقع مصطفی هجری در مصاحبه اخیرش سخنان کذب بیست و چند سال پیش عبدالله مهندی را تکرار کرده تا از زیر بار مسئولیت حمله حزب دمکرات به رفقای ما در اورامانات و قتل آنها شانه خالی کند. منصور حکمت در آن جلسه به این ادعای واهی و دروغ عبدالله مهندی پاسخی داد که در زیر میخوانید. این پاسخ مصطفی هجری هم هست. سردبیر.

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



اگر عبدالله مهندی گفته باشد جنگ کومله و دمکرات را منصور حکمت به ما تحمیل کرد، به نظر من باید در خیلی چیزهاش شک کرد. من هنوز سخته باور کنم این آدم بتواند، کسی بتواند چنین چیزی بگوید. کمیته مرکزی کومله در این مورد تصمیم گرفت. این جنگی بود که کومله در آن سربلند بود.

در مقطع کنگره ششم من برای کنگره به آنجا رفته بودم. ولی قبل از کنگره بخاطر بمباران اردوگاه باعث شد که ما متفرق بشویم و نتوانیم کنگره را در آن مقطع در اردوگاه بگیریم. در جلسات کمیته مرکزی کومله در آنجا بود که من بخاطر اینکه انشعابی در حزب دمکرات صورت گرفته بود، پیشنهاد آتش‌بس یکجانبه به حزب دمکرات را مطرح کردم. عبدالله مهندی، جواد مشکی و صلاح مازوجی به پیشنهاد آتش‌بس یکجانبه رای ممتنع دادند. ابراهیم عزیزاده خوشبختانه استقبال کرد و من این نوشته را نوشتم. سند اعلام آتش‌بس یکجانبه به حزب دمکرات و ایده آتش‌بس یکجانبه مال من است. و این آتش‌بس را اعلام کردیم. در صورتی که سیاست دوستان دیگر و سیاست عبدالله مهندی این بود که این آتش‌بس زودرس است، و ما باید حزب دمکرات را به یک توافق استراتژیکتر و به یک همزیستی استراتژیکتر با خودمان بکشانیم. در نظر آنها این آتش‌بس دادن یک امتیاز ساده بود. من گفتم این توهم است. این توهمی بود که عبدالله مهندی همیشه داشت: تقسیم استراتژیک کردستان بین دو حزب جنبش که الان هم رفته دنبال آن.

بحث آتش‌بس یکجانبه بحث من بود، بحث فرعی کردن جنگ بحث من بود. تحریک علیه آدمی که مال کردستان نیست الان دیگر حرفه اینهاست. اینها میخواستند به بخش انشعابی حزب دمکرات آتش‌بس بدهند. بحث من این بود که چه فرقی میکند؟ چرا به بخش انشعابیش آتش‌بس میدهند و به جناح قاسملو آتش‌بس نمیدهند؟ بجای اینکه با اصطلاح رهبری انقلابی دوستی بکنیم و با جناح قاسملو جنگ، این آتش‌بس را باید به همه داد. من گفتم که الان موقعیتی است که میتوانیم انشعابشان را، تفرقه‌شان را شاهی بر ضعفشان بگیریم. اعلام کنیم پیروز شدیم و جنگ را فرعی اعلام کنیم و جنگ را تمام شده اعلام کنیم و فقط بگوییم از خودمان دفاع میکنیم. اسناد این هست، خوشبختانه شخصیت‌های آن دوره همه زنده‌اند، اکثرشان، فکر میکنم همه‌شان. آن جلسات که در زیر زمینی در سلیمانیه گرفته شد شهود زیادی داشت، این شهود بعضی‌هایشان ممکن است در این اطاق باشند. این مسائل را باید بگوییم. حقایق تاریخ کردستان صحنه میگذارد به اعتبار و حقانیت ما. این را همه‌شان میدانند. برای همین است که وقتی میگوییم سند چاپ میکنیم، میروند به معلم چغلی میکنند که آقا آقا اینها دارند سند چاپ میکنند. ما سند چاپ میکنیم چون این اسناد حقانیت ما را نشان میدهد.

- این متن از روی نوار پیاده شده و توسط آذر ماجدی از نظر انشایی ادیت شده است. - عنوان توسط این سایت برای مطلب انتخاب شده است.

hekmat.public-archive.net #2790fa.html

جنگ حزب دمکرات با کومله و اعلام آتش‌بس یکجانبه

بخشی از جلسه ۲۶ دسامبر ۲۰۰۱ پالتاک در اتاق "با منصور حکمت"

خالد علی پناه: من یک سوال دارم. در شهر ما، بوتیوری، یک دفعه عبدالله مهندی آمده بود و من شخصا از او سوال کردم. گفتم، نظرتان در رابطه با جنگ کومله و حزب دمکرات چه بود؟ گفت: این جنگ را منصور حکمت به ما تحمیل کرد. اگر در این مورد من اطلاع دارم، بالاخره در جلسات کمیته مرکزی بودی. میخوام بدانم که این چقدر واقعیت داره و آیا نظر شما در آن موقع در رابطه با جنگ کومله و حزب دمکرات چه بود؟ و موضع عبدالله مهندی چه بود؟ خیلی ممنون.

منصور حکمت: جنگ را حزب دمکرات شروع کرد، در اورامان رفقای ما را کشتند. عزیزترین کسان ما را که صورتشان از جلوی چشمان ما کنار نمیروند. آن موقع من در کردستان بودم. در مقر کومله، با رهبری کومله نشستیم و درباره چه باید کرد صحبت کردیم. بحث این بود که حزب دمکرات یک ضربه‌ای زده است، اگر ما این حرکت را ندیده بگیریم، اگر این حرکت نظامی حزب دمکرات پاسخ نظامی از ما نگیرد، حزب دمکرات حاکمیتش را در مناطق آزاد کردستان، تثبیت میکند، به این معنی که آدم اجازه نخواهد داشت تبلیغات کمونیستی کند. و این چیزی بود که کومله به آن گردن نمیگذاشت. در نتیجه سیاست بر این شد که حزب دمکرات باید جواب نظامی بگیرد. این تا اینجا.

در رابطه با موضع عبدالله مهندی، من فکر نمیکنم کسی بوده باشد در آن کوه و تپه که مخالف این بوده باشد که حزب دمکرات باید جواب نظامی بگیرد. منتهی اینکه چه جوابی بگیرد بعدها موجب بحث‌های وسیع‌تری شد. اتفاقاً من نویسنده و پیشنهاد دهنده آتش‌بس یکجانبه بودم. بحث در مورد این که این جنگ کجا میخواد برود، موضوع بحث‌های بعدی شد. من یک نوشته‌ای دارم در مورد ماهیت جنگ که بعداً به سیاست رسمی تبدیل شد در مقابل سیاست «جنگ جنگ تا پیروزی» که عملاً بطور ناخودآگاه بر این دوستان و کمیته مرکزی کومله حاکم بود، این سیاست بر این مبتنی بود که جنگ باید به شکست نیروهای نظامی حزب دمکرات منجر بشود. من در آن نوشته گفتم چنین چیزی غیر ممکن است. گفتم که جنگ باید به فرعی شدن تقابل نظامی ما منجر بشود، بطوری که بتوانیم کارمان را بکنیم. من طرفدار فرعی کردن جنگ وقتی که پیروزی کافی را به دست آوردیم، بودم. بحث جنگ جنگ تا پیروزی را نقد کردم. چپ‌روی نظامی را نقد کردم. این سندش هست که به نظر من باید همین روزها چاپش بکنیم (میگذارمش در سایت روزنه ببینید). بعداً رفیق ابراهیم عزیزاده این سیاست را بعنوان سیاست کومله اعلام کرد. قطعنامه‌های کومله و بحث‌هایشان در جلسه‌ای که داشتند (و من بعداً شنیدم) کاملاً خط نظامی‌گرایانه و چپ‌روانه و تا نفر آخر باید جنگ کرد، داشت. در صورتی که بحث من این بود که اصلاً این کار را نباید کرد. بحث من این بود که وقتی این تناسب قوا تضمین شد که حزب دمکرات نمیتواند جلوی فعالیت ما را بگیرد، ما باید جنگ را فرعی تلقی کنیم، یک نیروی معینی به آن اختصاص بدهیم که حزب دمکرات را کنترل کند و ما کارمان را پیش ببریم. این را پیروزی دوفاکتو تعریف کردیم. مقاله‌اش هست. همه قبول کردند، همه «به به» گفتند و به خط رسمی تبدیل شد.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

جنگ حزب دمکرات علیه کومهله

حسین مرادیگی (حمه سور)



جلوی خشم پیشمرگانمان را بگیریم". در این دوره کومهله بارسنگین و اصلی نبرد علیه جمهوری اسلامی را برعهده داشت، حزب دمکرات از جناح بنی صدر پشتیبانی میکرد و فعالیت نظامی کمتری داشت. حزب دمکرات حتی کومهله را به "جنگ افروزی" علیه جمهوری اسلامی متهم و به نوعی جمهوری اسلامی را "تبرئه میکرد!"

در ادامه‌ی این سیاست، سال ۵۹،

حزب دمکرات اولین یورش خود را به یکی از مقرهای نظامی ما در روستای "بیتوش" در ناحیه "آلان" سردشت، سازمان داد. در مرداد ماه ۵۹ تعداد زیادی از افراد مسلح حزب دمکرات با سلاحهای سبک و سنگین به مقر کومهله در روستای "بیتوش" (آلان سردشت) حمله کرده و ۱۷ نفر از پیشمرگان کومهله را خلع سلاح و دستگیر کردند. آن زمان من فرماندهی نظامی کومهله بودم. تصمیم گرفتیم که برای پس گرفتن سلاحهای مصادره شده و آزادی پیشمرگان کومهله و عقب نشانیدن حزب دمکرات حتی با درگیری نظامی هم شده، اقدام کنیم. نیروی حدود ۱۵۰ نفر از پیشمرگان کومهله تحت فرماندهی من از شهر بوکان راهی ناحیه سردشت شد تا از آنجا به "آلان" سردشت رفته و اگر حزب دمکرات سلاحها را پس نداد و مسئولین و پیشمرگان کومهله را آزاد نکرد، با توسل به درگیری نظامی این کار را عملی کنیم. نیروی ما وارد "آلان" سردشت شد و در روستای "بیژوی" سردشت مستقر گردید. طی دیدار من و حسن رستگار عضو دفتر سیاسی آن دوره‌ی حزب دمکرات مساله حل شد و کار به درگیری نکشید. رفقای ما آزاد و سلاحها نیز تحویل داده شدند. ما نیز به خاطر کاهش تنش با حزب دمکرات و جلوگیری از درگیری احتمالی از بازگشائی مقر خود در روستای "بیتوش" صرفنظر کردیم. حزب دمکرات اما از تعرض به آزادیهای سیاسی، به هواداران کومهله، به شوراهای مردم زحمتکش و دیگر سازمانهای سیاسی دست نکشید و در پی تدارک تعرض و خلع سلاح سازمانهای سیاسی به اصطلاح آن دوره "خط ۳" و غیره نیز بر آمد که من به مواردی از آنها اشاره می‌کنم:

در تاریخ ۲۱ آبان ماه ۵۹، افراد مسلح حزب دمکرات در روستای "عزیز کند" بوکان مقر افراد مسلح راه کارگر را محاصره کرده و آنان را خلع سلاح میکنند.

در تاریخ ۱۷ آذر ماه ۵۹ چهار تن از هواداران کومهله در نزدیکی مهاباد را دستگیر کرده و مورد انیت و آزار قرار میدهند. در این رابطه کومهله اطلاعیه‌ای میدهد که در خبر نامه شماره ۱۰۲ به تاریخ دوم دی ماه ۵۹ چاپ شده است. در این اطلاعیه کومهله از مردم کردستان ایران میخواهد که به این اعمال حزب دمکرات اعتراض کنند.

روز ۱۷ اسفند ماه ۵۹/ عده‌ای از افراد مسلح حزب دمکرات مقر پیشمرگان سازمان پیکار در شهر بوکان را با آر پی جی و نارنجک انداز و سلاحهای سبک مورد حمله قرار میدهند. این حمله بعد از ۴۰ دقیقه به جان باختن ۳ نفر از پیشمرگان سازمان پیکار، طاهر ابراهیمیان، محمد ابلاغیان و باقی خیاطی و زخمی شدن ۳ نفر دیگر منجر میشود. به دنبال آن "سرکار رمضان" (یکی از مسئولین حزب دمکرات در شهر بوکان) و پیشمرگان مسلح حزب دمکرات به شکار دیگر اعضاء سازمان پیکار میپردازند، همه‌ی آنان را در شهر بوکان دستگیر و زندانی کرده و اموال این سازمان را نیز غارت میکنند. کومهله آن دوره طی اطلاعیه‌ای در تاریخ ۸ اسفند ماه ۵۹ این اقدام جنایتکارانه‌ی حزب دمکرات را محکوم میکند و از مردم کردستان

جنگ سراسری حزب دمکرات علیه کومهله یکی از جنگهای زودرس بورژوازی علیه پرولتاریا است. بورژوازی کرد و حزب مربوطه هنوز مساله‌ی ملی خاتمه نیافته تسویه حساب با پرولتاریا را شروع میکنند. معمولاً بورژوازی صبر میکرد تا "مبارزه ملی" به پیروزی برسد آن وقت به تسویه حساب و قلع و قمع پرولتاریا و سازمان سیاسی آن دست میزد. در کردستان ایران مساله برعکس بود. بورژوازی کرد و حزب مربوطه هنوز "مبارزه ملی" خاتمه نیافته تضاد طبقاتی خود را با طبقه کارگر و سازمان سیاسی او برجسته تر می‌بینند، لذا به پرولتاریا و سازمان آن، کومهله‌ی آن دوره، در کردستان اعلان جنگ میدهند و تسویه حساب با او را قبل از ختم مساله ملی به محور سیاست خود تبدیل میکنند. تلاش برای پرده پوشی این واقعیت بیهوده است، جنگ حزب دمکرات علیه کومهله چیزی جز بیان این سیاست بورژوازی و جنبش ملی کرد در قبال طبقه کارگر و سازمان سیاسی آن یعنی کومهله‌ی آن دوره نبود. تکرار دهها بار این گفته از زبان رهبری و کادرهای حزب دمکرات، که پرولتاریا و بورژوازی میکنند، جنگ میشود، چیزی جز بیان این واقعیت نبود که بورژوازی کرد و حزب مربوطه از طریق تهدید و تحمیل جنگ میخواستند پرولتاریا و سازمان سیاسی او را مرعوب و در برابر خود وادار به تمکین کنند. میخواستند او را وادار کنند که از استقلال سیاسی، سازمانی و تبلیغ کمونیستی خودش دست بردارد و حزب دمکرات را در رسیدن به "خودمختاری" اش یاری دهد.

.....
حمله به آزادیهای سیاسی و تشدید زورگویی حزب دمکرات علیه کومهله و مردم زحمتکش و دیگر سازمانهای سیاسی در کردستان، آنجا که حزب دمکرات دست بالا را داشت به ویژه از پائیز سال ۵۸ شروع میشود و ادامه مییابد. اولین بار افراد حزب دمکرات با جمع آوری و تحریک هواداران خود از جمله ملای روستای "میرناوی" (امیر آباد) در ناحیه سردشت، روستائی که من و محمد حسین کریمی قبل از انقلاب ۵۷ در آن مخفی بودیم، میخواستند مقر کومهله را در این روستا برچینند. تحریک هواداران حزب فایده‌ای نداد و آنها با دیدن آمادگی ما برای در هم شکستن هر نوع تعرضی به مقر کومهله، پراکنده شدند. این روستا برای مدتی طولانی به عرصه کشمکش و تقابل هر روزه‌ی حزب دمکرات و کومهله تبدیل شده بود. حزب دمکرات خیال میکرد با قلدری و زورگویی بقول کردی در "کونه چال" (منطقه تحت نفوذ) خود میتواند ما را از آن منطقه بیرون کند، لیکن هر بار با مقاومت ما روبرو و ناچار از عقب نشینی میشد.

پس از بهم خوردن "هیئت نمایندگی خلق کرد" در اواخر سال ۵۸ در اثر تمایل شدید حزب دمکرات برای مذاکره‌ی جداگانه با جمهوری اسلامی خارج از این ائتلاف، در طول سال ۵۹، زورگویی، تهدیدات، مزاحمتهای مسلحانه، خلع سلاح این جا و آنجا پیشمرگان کومهله، و حتی تعرض مسلحانه علیه مقرها و واحدهای کومهله‌ی آن دوره و دیگر سازمانهای سیاسی اپوزیسیون ایران در کردستان نیز شدت پیدا کرد و ادامه یافت. در این دوره حزب دمکرات حتی حاضر نبود نامه‌های کومهله را به طور رسمی پاسخ بگوید، از آوردن نام کومهله و از نشست با نمایندگان کومهله نیز خودداری میکرد. تنها در زمستان سال ۵۹ بود که به طور رسمی به کومهله نامه نوشتند، آن هم در اولتیماتومی بدین مضمون: "چنانچه شما (منظور رهبری کومهله بود) به انتشار اعلامیه و مطالب تبلیغاتی در رابطه با حزب دمکرات ادامه دهید ما نمی‌توانیم

جنگ حزب دمکرات علیه کومه‌له ...

جمهوری اسلامی و دولتهای مرتجع منطقه. ثانيا، مقوله آزادیهای سیاسی در جامعه مساله سرنوشت سیاسی یک جامعه و توده مردم ساکن در آن است و با آگاهی تجارتي اصلا قابل مقایسه نبوده و نیست. آزادی فعالیت سیاسی و بیان و اندیشه یعنی تحمل زمخت ترین نظرات مخالف و مخالفت های سیاسی در جامعه. ناسیونالیستهای رنگارنگ ادعا میکنند که موضع سازمان پیکار در آن دوره "تند" بوده است، خشم پیشمرگان حزب دمکرات را برانگیخته است. اگر موضع گیری سازمان پیکار "خشم" پیشمرگان حزب دمکرات را برانگیخت، راه کارگر چه گناهی داشت که حزب دمکرات افراد آن را در روستای "عزیز کند" بوکان خلع سلاح کرد؟ افراد چریک "آرخا" چه مشکلی برای حزب دمکرات ایجاد کرده بودند که آنان را خلع سلاح کرد؟ افراد سازمان توفان چی؟ چرا حزب دمکرات به ضرب و شتم آنان پرداخت و آنان را خلع سلاح کرد؟ افراد سازمان اقلیت که اتفاقا میانه‌شان هم با حزب دمکرات بد نبود، چرا در روستای "صوتاش" ناحیه بانه مورد ضرب و شتم قرار گرفته و خلع سلاح شدند؟ تیراندازی به صف تظاهرات زحمتکشان روستای "تکانتپه" چی؟ دستگیری اعضاء شورای زحمتکشان روستای "حمامیان"، داریسر و خانقاه در اطراف بوکان و روستاهای دیگر چی؟ آیا علیه حزب دمکرات اطلاعیه داده بودند، "خشم" پیشمرگان حزب دمکرات را برانگیخته بودند؟ اینها و دهها مورد دیگر از نقض آزادیهای سیاسی و قلدری و زورگرایی حزب دمکرات هر جا که این حزب دست بالا را داشت، تنها ظرفیت ارتجاعی و ضد دمکراتیک و ضد آزادیهای سیاسی حزب دمکرات را در آن دوره در کردستان نشان میدهند. حزب دمکرات حتی امر دفاع از مرتجعین و مجرمین را نیز با تعرض به پیشمرگان کومه‌له برعهده گرفته بود. در خرداد ماه سال ۵۹ حزب دمکرات چند تن از پیشمرگان کومه‌له را در ناحیه مهاباد به منظور بازپس گرفتن مالکان "نهلین" سردهشت که در زندان کومه‌له بودند، دستگیر کرد، خبرنگار کومه‌له شماره ۱۴۲، ۶۰۱۷/۲۱.

دوره بعد از کنگره دوم کومه‌له

بعد از کنگره دوم کومه‌له و مصوبات آن که نشانه چرخش آشکار کومه‌له آن دوره به طرف کمونیسیم و برنامه‌ی کمونیستی بود، حملات و اشکال تراشی های حزب دمکرات بر سر راه فعالیت سیاسی کومه‌له نیز تشدید شد. در این مرحله حزب دمکرات علاوه بر تبلیغات رادیویی حملات موضعی را علیه مقرها و نیروی پیشمرگ کومه‌له در دستور کار خود قرار داد و اذیت و آزار هواداران کومه‌له را تشدید کرد. روز ۲۸ فروردین ماه سال ۶۰ حزب دمکرات در برنامه های رادیویی خود تحت عنوان "کومه‌له‌ی ضد انقلابی"، کومه‌له را مورد حمله‌ی شدید تبلیغی قرار داد و ادعا کرد که کومه‌له دیگر در "جنبش مقاومت" نمانده است و مبارزه مسلحانه را کنار گذاشته است. خودشیرینی حزب دمکرات قبل از ورود اشراقی به کردستان نیز مزیدی بر گرم کردن آتش تبلیغات عوام فریبانه حزب دمکرات علیه کومه‌له بود. در فروردین ماه ۱۳۶۰ رادیوی جمهوری اسلامی اعلام کرد که "آیت الله اشراقی برای رسیدگی به وضع افراد و گروهانی که از جمهوری اسلامی تاملین می‌خواهند و قصد تسلیم شدن به نیروهای دولتی را دارند به ارومیه می‌آید". جمهوری اسلامی که با نفرت عمومی مردم کردستان روبرو بود میخواست مساله‌ی تحویل دادن و تسلیم شدن توده ایهای کردستان ایران و اعضاء و هواداران چریکهای فدائی خلق (اکثریت) و پیروان توده ای کنگره‌ی چهار حزب دمکرات را که از این حزب جدا شده بودند و خود را به رژیم و نیروهای آن در کردستان تسلیم میکردند، بهانه ای کند برای گرفتن "امان نامه" که گویا افراد سازمانهای سیاسی تقاضای "امان نامه" کرده اند و چند بار نیز آن را تمدید و اعلام کرد. اشراقی آمده بود که به کار این حضرات رسیدگی کند، دفتر سیاسی حزب دمکرات نیز فرصت را غنیمت شمرده و خود را به اشراقی میرساند تا شاید از "برکت" شیخ چیزی هم نصیب آنان شود. خود عبدالله حسن زاده در جلد دوم کتابش، "۵۰ سال مبارزه"، می نویسد که آیت الله اشراقی صراحتا از آنها میخواست که تفنگچی جمهوری اسلامی شوند،

میخواهد که از دمکراسی و آزادیهای سیاسی در کردستان در برابر حزب دمکرات دفاع کنند. روز بعد از این جنایت رهبری حزب دمکرات عده ای از اهالی روستاهای اطراف بوکان را با وعده‌ی گرفتن قند و شکر و غیره در شهر بوکان جمع میکند که علیه "خط ۳" تظاهرات کرده و شعار بدهند. اهالی این روستاها نیز با تجمع در خیابانهای شهر بوکان بی آنکه واقعا بدانند "خط ۳" چیست علیه "خط ۳" شعار میدادند. حزب دمکرات حتی شایع کرده بود که به مقر کومه‌له در شهر بوکان نیز حمله میکند. جالب این بود که خود رهبری حزب دمکرات که فرمان حمله به مقر سازمان پیکار را داده بود، این شوی مسخره و عوام فریبانه را راه انداخته بود. در مقابل، روز ۱۹ اسفند ماه ۵۹ با شرکت هزاران نفر از مردم شهر بوکان و دیگر سازمانهای سیاسی موجود در این شهر مراسم تشییع جنازه جان باختگان این یورش جنایتکارانه برگزار شد که طی آن مردم شهر بوکان تفر خود را از این جنایت حزب دمکرات ابراز داشتند. حمله‌ی افراد مسلح حزب دمکرات به مقر سازمان پیکار در شهر بوکان به دنبال اطلاعیه ای بود که سازمان پیکار در مورد مصاحبه قاسم قاسم دبیگل سابق حزب دمکرات با روزنامه مجاهد شماره ۱۰۷ انجام داده بود، در این نوشته سازمان پیکار، سازمان مجاهدین خلق را به سازشکاری! با حزب دمکرات متهم میکرد و به خیال خود داشت با نشان دادن ماهیت ارتجاعی حزب دمکرات، سازمان مجاهدین را نیز مورد انتقاد قرار میداد. حزب دمکرات طرح خلع سلاح اعضاء و هواداران سازمان پیکار در شهر بوکان را قبلا ریخته بود، بدون این موضع گیری سازمان پیکار هم آن را عملی میکرد. موضع گیری سازمان پیکار آن را چند روز جلوتر انداخت. نه به این خاطر که گویا سازمان پیکار موی دماغ حزب دمکرات بود و یا با موضعگیری نوع پیکاری خود، ورق را علیه حزب دمکرات بر میگردداند، بلکه به این خاطر که حزب دمکرات از خودمختاری، اقتدار بورژوازی خود را می فهمید و به خیال خود داشت آن را "تمرین" میکرد. حزب دمکرات به مقر سازمان پیکار حمله کرده بود، به سازمانهای سیاسی هشدار میداد که در اجرائیات کردستان دخالت نکنند! (اطلاعیه های ۸ و ۹ اسفندماه ۵۹ حزب دمکرات). معلوم شد نوشته‌ی سازمان پیکار صرفا بهانه ای بود برای حمله به آزادیهای سیاسی و سازمانهای سیاسی، به قول حزب دمکرات خط ۳.

حزب دمکرات به عنوان حزب بورژوازی گرد مخالف آزادیهای سیاسی بود و با حمله به آزادیهای سیاسی و آزادی بیان و عقیده در کردستان از جمله حمله به مقر سازمان پیکار و خلع سلاح سازمانهای سیاسی دیگر در پی تمکین توده مردم زحمتکش به خود بود. این نه تنها شیوه‌ی حزب دمکرات که شیوه‌ی هر نیروی مرتجع و کهنه پرست دیگری نیز برای به تمکین در آوردن توده مردم زحمتکش در جامعه بوده است. حزب دمکرات هر جا که دست بالا را داشت و زورش میرسید این سیاست را اجرا میکرد. در آن دوره حزب دمکرات تعرض خود علیه آزادیهای سیاسی را عوام فریبانه با عدم رعایت قواعد "بازی" در آگاهی های تجارتي! توجیه میکرد. میگفت هر کس حق تعریف از "جنس" خود را دارد، حق ندارد از "نامرغوب" بودن جنس دیگری انتقاد کند. بگذریم از اینکه حتی در مورد آگاهی های تجارتي هم اینطور نبود و نیست، اما همین نکته برای نشان دادن نگرش کهنه پرستانه و ضد دمکراتیک حزب دمکرات به مقوله آزادیهای سیاسی در آن دوره در کردستان ایران کافی است. اولاً، مردم متمدن با موشک کاتیوشا سراغ کسی که به زعم حزب دمکرات قوانین "بازی" را در آگاهی های تجارتي رعایت نکند نمیروند، از او به نزدیکترین دادگاه محل شکایت میکنند، ظاهرا در کردستان احزاب مسلح ناسیونالیست گرد میتوانند به این شیوه رفتار کنند، یعنی قانون جنگل و یا چیزی شبیه حاکمیت

جنگ حزب دمکرات علیه کومه‌له ...

حزب دمکرات کشته میشوند. رفقای ما صبح زود بعد از تصرف مقر مزدوران جمهوری اسلامی به روستای "گلپه" بر می گردند، حزب دمکرات تمام نقاط و بلندیهای اطراف روستای "گلپه" را میگیرد، در نقاط حساس روستا مستقر میشود و به پیشمرگان ما حمله میکند. باز هم در همین دوره، پیشمرگان حزب دمکرات در روستای "دوزه غره" (دوزخ دره) آموزشهای بدون اسلحه کومه‌له را که مشغول آموزش بودند به رگبار می بندند که با مقاومت رفقای ما روبرو شده و فرار میکنند.

درگیری در کامیاران

به دنبال ملحق شدن عده ای از سران رزگاری به حزب دمکرات در کامیاران، تشکیلات حزب دمکرات در کامیاران نه تنها به هشدارهای ما در مورد پیوستن افراد رزگاری توجهی نمیکند بلکه به تحریکات و سپس تعرض مسلحانه علیه پیشمرگان کومه‌له و سازمان پیکار مستقر در روستای "طا" در ناحیه کامیاران مبادرت ورزیده و جنگی جدید را در اوایل شهریور ماه ۶۰ به کومه‌له در منطقه کامیاران تحمیل میکنند. قضیه از این قرار بود، در اواخر تیر ماه ۶۰ حزب دمکرات تمام نیروهای خود را در اورامان به عنوان عقب نشینی در برابر یورش جمهوری اسلامی به "نودشه" و "نوسود" وارد کامیاران کرده بود، به این نیرو نیروی خود در ناحیه "ایلاخ" سندانج را اضافه کرده و بعد از تجمع نیرو دست به جوله در منطقه میزند و به تهدید و ارعاب مردم و تبلیغات و تحریکات پرداخته علیه کومه‌له می پردازد. در این هنگام جمعی از سران "رزگاری" از فرصت استفاده کرده و به حزب دمکرات می پیوندند و حزب دمکرات آنان را در روستای "طا" که محل استقرار نیروی کومه‌له و در آن وقت سازمان پیکار بود، مستقر میسازد. کومه‌له در مقابل پیوستن افراد رزگاری به حزب دمکرات طی اطلاعیه‌ای هشدار دهنده ای سلب حمایت حزب دمکرات از سران رزگاری را خواستار میشود. حزب دمکرات به جای این کار راههای منطقه را میبندد و به دستگیری و ضرب و شتم هواداران کومه‌له می پردازد و کومه‌له را ناچار از عکس العمل میکند. درگیری شروع میشود و سرانجام بعد از چند روز درگیری و وارد آمدن تلفاتی بر طرفین، نمایندگان حزب دمکرات و کومه‌له در نشست در تاریخ ۱۶ شهریور ماه ۶۰ به توافق میرسند:

۱- طرفین توافق دارند که بلافاصله و در اسرع وقت اجرای آتش بس فوری را به دو تشکیلات حزب و کومه‌له در منطقه کامیاران پیشنهاد نمایند.

۲- اخیراً گروهی از سران رزگاری به حزب دمکرات کردستان ایران پناهنده شده اند که سازمان انقلابی زحمتکش کردستان ایران - کومه‌له این عمل را توطئه علیه خود و جنبش مقاومت (ملی دمکراتیک) خلق کرد میدانند. مسائل فوق موجبات درگیریهای اخیر کامیاران را فراهم کرده است. طرفین توافق کردند به جای ادامه درگیری در کامیاران در این مورد به مذاکره بنشینند.

۳- هر دو طرف آزادی فعالیت سیاسی و انقلابی و وجود دمکراسی در کردستان را پذیرفته و آن را حفظ می نمایند.

۴- هر دو طرف می پذیرند که از این تاریخ به بعد برای حل اختلافات فی مابین خود به شیوه حل سیاسی متوسل شده و از دست زدن به اقدام نظامی جدا خودداری نمایند. بدیهی است مبادله اسرای دو طرف و مسائل جنبی وابسته به این درگیری در محل با حسن نیت اقدام لازم و عملی به عمل خواهد آمد و ... سرانجام در تاریخ ۲۱ شهریور ماه ۶۰ به این درگیریها پایان داده شد. این توافق نامه ها البته از جانب حزب دمکرات فرورا زیر پا نهاده میشدند و امضای دفتر سیاسی حزب دمکرات زیر این توافق نامه ها باعث نمیشد که حزب دمکرات به چیزی که خود بارها زیر آن را امضاء کرده بود، وفادار بماند. درگیری کامیاران با

عبداله حسن زاده می نویسد: "مرحوم قاسملو سکوت کرد من به حرف آمدم و گفتم این "جاشیه‌تی" (لقبی برای نامیدن مزدوران محلی رژیم مرکزی در سنت ناسیونالیسم کرد) است و از نظر ما قابل قبول نیست". همان منبع. در تاریخ ۹ اردیبهشت ماه ۶۰ به دنبال حمله نیروهای حزب دمکرات علیه کومه‌له در منطقه مه‌باد و بوکان، توافقنامه ای مبنی بر رعایت آزادیهای دمکراتیک و عدم تعرض نظامی حزب دمکرات و کومه‌له به یکدیگر توسط نمایندگان حزب دمکرات و کومه‌له در بوکان به تصویب رسید. جریان از این قرار بود، واحدی از نیروهای پیشمرگ کومه‌له در ناحیه "شارویران" مه‌باد در حال جوله بودند، شب هنگام در یکی از خانه های در روستای "قم قلعه" که پیشمرگان در آن در حال استراحت بودند مورد حمله غافلگیرانه پیشمرگان مسلح حزب دمکرات قرار میگیرند و آنان را خلع سلاح میکنند. روز بعد از این حادثه به پیشمرگان کومه‌له در روستای "تکان لوجه" ناحیه مه‌باد حمله میکنند. پیشمرگان کومه‌له از خود دفاع میکنند که متأسفانه در این درگیری علی حبیب پناه و علی کلیجه ای و یک نفر دیگر هم از پیشمرگان کومه‌له در ناحیه مه‌باد جان خود را از دست میدهند. ما نیز به نیروهای خود دستور دادیم که مقر افراد حزب دمکرات در روستای "آجیکند" را خلع سلاح کنند. درگیری به ناحیه مه‌باد و بوکان کشیده شد، "هیزی به‌گری" (نیروی مسلح محلی حزب دمکرات) به کمین نیروهای ما افتاد و تعداد زیادی از آنان اسیر شدند. سپس اسراء طرفین، ۴۰ نفر حزب دمکرات و ۸ نفر از کومه‌له در "کانی تومار" ناحیه بوکان مبادله شدند. در مجموع در این اولین جنگ جدی حزب دمکرات علیه کومه‌له، کومه‌له پیروز شد و زمینه آتش بس را فراهم کرد. در جریان این درگیری ها یوسف حسنخالی پیشمرگ و پستیچی کومه‌له که در بین روستاهای مختلف و محل استقرار نیروهای کومه‌له با موتور سیکلت رفت و آمد میکرد، هنگام عبور از روستای "عیسی کند" مه‌باد توسط افراد مسلح حزب دمکرات دستگیر و همانجا اعدام شد. تعدادی از افراد مسلح حزب دمکرات نیز در این درگیری ها کشته شدند. سرانجام آتش بس شد و توافق نامه مذکور بین طرفین در شهر بوکان امضاء گردید. هنوز جوهر این توافقنامه خشک نشده بود که پیشمرگان مسلح حزب دمکرات در روزهای ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ اردیبهشت ماه ۶۰ با حمله به هواداران ما در نقاط مختلف و کمین گذاشتن بر سر راه پیشمرگان کومه‌له در "اووان" سردشت و حمله به "سیسر" از روستاهای سردشت، آتش جنگ دیگری را روشن کردند. در "اووان" سردشت راه را بر پیشمرگان کومه‌له می بندند و به آنان تیراندازی میکنند. به دنبال آن مقر ما را در روستای "سیسر" ناحیه سردشت نیز مورد حمله قرار میدهند که با مقاومت پیشمرگان کومه‌له روبرو میشوند، در این درگیری اسماعیل حمزه ای پیشمرگ کومه‌له جان می بازد و یکی دو نفر از افراد حزب دمکرات نیز کشته میشوند. سرانجام به دنبال مذاکراتی طولانی در اردیبهشت ماه سال ۶۰ به این درگیری ها نیز خاتمه داده شد و طرفین طی موافقت نامه ای بر رعایت دمکراسی و آزادیهای سیاسی و بر روی حل اختلافات بین حزب دمکرات و کومه‌له به شیوه سیاسی، تأکید میکنند. دفتر شیخ عزالدین حسینی نیز در این مورد پیامی داده و طرفین را به مذاکره و حل اختلاف به شیوه سیاسی دعوت میکند. همزمان با درگیریهای این دوره، پیشمرگان حزب دمکرات در ناحیه مریان به پیشمرگان کومه‌له که از خلع سلاح مقر جمهوری اسلامی در روستای "سرو آباد" به روستای "گلپه" بر میگشتند حمله میکنند. در این درگیری رفیق محمود نکلی جان میبازد یکی دو نفر نیز از افراد

جنگ حزب دمکرات علیه کومه‌له ...

توافق نامه ای به پایان رسید ولی حزب دمکرات در تاریخ ۵ مهر ماه ۶۰ هنگامیکه پیشمرگان کومه‌له برای انجام مراسم یادبود رفیق فرامرز مرادی به روستای "بزوش" میروند، با وجود این که قبلاً در مورد برگزاری این مراسم باخبر شده بودند به پیشمرگان کومه‌له تیراندازی میکنند که متأسفانه یکی از پیشمرگان کومه‌له بنام یداله خاطری جان خود را از دست میدهد.

همزمان با تلاش ما برای خاموش کردن درگیری در کامیاران، حزب دمکرات از رادیوی خود خمپاره باران کردن مردم مهاباد توسط پادگان جمهوری اسلامی در این شهر را به عملیات نظامی چند روز قبل کومه‌له در این شهر ربط میدهد و آن را تحت این عنوان برای جمهوری اسلامی توجیه میکند. گویا جمهوری اسلامی تا قبل از آن برای مردم شهر مهاباد "نفل و نبات" پخش میکرد. حزب دمکرات حتی از عملیات نظامی خود علیه نیروهای جمهوری اسلامی نیز به هدف تعرض به آزادیهای سیاسی و ایجاد مزاحمت سر راه فعالیت کومه‌له‌ای آن دوره استفاده میکرد. در اسفند ماه سال ۶۰ رهبری حزب دمکرات هم در مصاحبه های خود در اروپا و هم از رادیوی خود در کردستان ایران شروع میکند به "غیر مسئول" خواندن کومه‌له و "مسئول خواندن" خود. از رادیوی خود رجز میخواند که کردستان "شهر بی دروازه نیست"، در آن حزب دمکرات "حاکم" است و به شیوهی حزب توده کومه‌له‌ای را "آمریکائی" میخواند و علناً میخوانند زمینه را برای درگیری جدیدی فراهم کنند.

بیانیه مشترک کومه‌له و حزب دمکرات

با وجود ادامه و گسترش حملات تبلیغی حزب دمکرات علیه کومه‌له، ما، رهبری کومه‌له در آن دوره، تصمیم گرفتیم به منظور کاهش تنش موجود میان حزب دمکرات و کومه‌له و جلوگیری از درگیریهای احتمالی با رهبری حزب دمکرات نشستی داشته باشیم و حتی بر سر همکاریهای معینی نیز با آنان به توافق برسیم. در این کار پیش قدم شدیم و در نامه ای پیشنهاد نشستی را بدین منظور به دفتر سیاسی حزب دمکرات اعلام کردیم. سرانجام در تاریخ ۲۷ تیرماه ۶۱ در نشستی بین اعضاء رهبری کومه‌له و رهبری حزب دمکرات طرفین بر همکاری فی مابین تأکید کردند و هر دو طرف تصمیم گرفتند که به منظور رسیدن به همکاریهای بیشتر و محکمتر در زمینه های سیاسی، نظامی و اجتماعی این نشستها و گفتگوها را ادامه دهند و اطلاعیه ای نیز در همین مورد به امضای کمیته مرکزی سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران- کومه‌له و کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران، ۲۷ تیرماه ۶۱، علناً منتشر شد.

اما در تاریخ ۷ شهریور ماه ۶۱، یعنی دو ماه بعد از امضای این توافق نامه، در روستای قره داغ افراد مسلح حزب دمکرات فرمانده نظامی "پل" (یکی از واحدهای نظامی ما در آن دوره) در ناحیه مهاباد سلیمان رحیمی و مسئول سیاسی دسته رحیم قادری و حمید نعلی عضو و پیشمرگ کومه‌له را با توطئه قبلی به قتل رسانند. ما نیز دیدیم نرمش هم حدی دارد و رهبری حزب دمکرات نرمش ما را در حکم ضعف ما تلقی میکند و حملات موضعی خود را علیه نیروها و مقرهای کومه‌له یکی پس از دیگری انجام میدهد و آن را پایانی نیست، تصمیم گرفتیم که از آن لحظه به بعد برای دفاع از خود تعرض حزب دمکرات علیه کومه‌له را بی جواب نگذاریم. تصمیم گرفتیم هر جا حزب دمکرات به پیشمرگان

و مقرهای کومه‌له تعرض کرد، ما هم متقابلاً به مقرها و پیشمرگان حزب دمکرات تعرض کنیم. ما نیز به نیروهای خود در ناحیه مهاباد دستور دادیم که مقر "درمان" حزب دمکرات در ناحیه مهاباد را تصرف کنند. رهبری حزب دمکرات راه دیگری جز این برای کومه‌له در آن دوره باقی نگذاشته بود. پیشمرگان ما سریعاً مقر "درمان" حزب دمکرات را تصرف کردند و افراد آن را خلع سلاح و به اسارت در آوردند. جنگ با حمله پیشمرگان حزب دمکرات به مقرهای کومه‌له در ناحیه مهاباد گسترش یافت، به "حاجی نالی کند" و اطراف "ولته‌میش" مقرهای کومه‌له در نواحی مهاباد و بوکان نیز کشیده شد. در درگیری اطراف "حاجی نالی کند" نیز دو نفر از رفقای پیشمرگ ما عطا میری و اصغر جودی (اهل تبریز) جان باختند، تعدادی از افراد مسلح حزب دمکرات نیز در این درگیری ها کشته شدند. سرانجام آتش بس برقرار شد. طی نشستی که عبدالله مهتدی و جعفر شفیعی و من تا آنجا که بخاطر دارم در روستایی پایین‌تر از "خورخوره‌ی گهورک" به طرف جاده سردشت با قاسم‌لو دبیرکل وقت حزب دمکرات و عبدالله حسن زاده دبیرکل سابق این حزب داشتیم، مجدداً توافق نامه ای بین طرفین به امضاء رسید که در آن بر رعایت آزادیهای سیاسی و عدم دست بردن به اسلحه برای حل مسائل فی مابین حزب دمکرات و کومه‌له تأکید شد. آتش بس اعلام شد و به این درگیری ها نیز موقتاً خاتمه داده شد. تبلیغات و تهدیدات حزب دمکرات علیه کومه‌له همچنان ادامه داشت و کمشکتهائی هم گاه و بیگاه روی میداد. تا سال ۶۲ که رهبری کومه‌له و حزب دمکرات به "نالان" سردشت نقل مکان کردند. مدتی از وارد شدن حزب دمکرات به "شورای ملی مقاومت" مجاهدین خلق نگذشته بود که ناگهان به ما خبر دادند که پیشمرگان حزب دمکرات در ناحیه سردشت به مقر ما در "بهره سوور" حمله کرده اند. مسئولین و پیشمرگان کومه‌له در این مقر مقاومت میکنند و بعد از جان باختن سه نفر از رفقای ما عزیز بایزیدی، حسین عبدالی و عطا سلیمانی (مجد) مقر کومه‌له در "برده سوور" به تصرف نیروهای حزب دمکرات - ناحیه سردشت در میآید. این بار ما (رهبری کومه‌له آن دوره) به جای مقابله به مثل به خاطر شرایط سیاسی حاد آن دوره و اجتناب از گسترش درگیری علیرغم از دست دادن سه تن از رفقای عزیز کومه‌له تصمیم گرفتیم راه گفتگو و مذاکره را در پیش گیریم و از اقدام متقابل نظامی که برای ما کاملاً مقدور بود خودداری کردیم. گفتیم شاید رهبری حزب دمکرات سرعقل بیاید و این بار با محکوم کردن این تجاوز آشکار و علنی زمینه را برای حل مسائل فی مابین از طریق گفتگو و راه حل سیاسی فراهم کند. لذا به دفتر سیاسی وقت حزب دمکرات پیشنهاد کردیم که تعرض نظامی نیروهای خود را به مقر کومه‌له در ناحیه سردشت و کشتن مسئولین و پیشمرگان کومه‌له در آن مقر را که یک جنایت کاملاً آشکار بود، محکوم و مسبب این جنایت را دادگاهی و مجازات کند. دفتر سیاسی وقت حزب دمکرات وانمود میکرد که هنوز مقصر این حادثه معلوم نشده است! تا حزب دمکرات آن را محکوم کند. حزب دمکرات حاضر نبود حمله به مقر کومه‌له و کشتار رفقای ما را محکوم کند، چه رسد به دادگاهی و مجازات مسبب این رویداد. مقر کومه‌له محاصره و تصرف شده بود، سه نفر از رفقای ما کشته شده بودند، هنوز رهبری حزب دمکرات قبول نمیکرد که مسبب این جنایت افراد حزب دمکرات بوده اند! ناچار ما پیشنهاد تحقیق در این مورد را دادیم. قرار شد هیئت تحقیق بیطرفی در این مورد تحقیق کند و نتیجه هیئت تحقیق را هر دو طرف، هم حزب دمکرات و هم کومه‌له، بپذیرند. دفتر شیخ عزالدین حسینی این مسئولیت را قبول کرد. بعداً نتیجه تحقیقات هیئت تحقیق نیز نشان داد که افراد حزب دمکرات مقصر بوده اند و بدون هیچ دلیل و عذر و بهانه ای به مقر کومه‌له در ناحیه سردشت حمله کرده و رفقای ما را به قتل رسانده اند. دفتر سیاسی وقت حزب دمکرات زیر بار نتیجه هیئت تحقیق نرفت که نرفت، حتی حاضر نشد این جنایت را محکوم کند تا

جنگ حزب دمکرات علیه کومه‌له ...

مطالبه خودمختاری و جنبش ملی گُرد نیز با آن بیشتر به حاشیه جامعه رانده میشد.

در اواخر سال ۶۲ و اوایل سال ۶۳ جامعه کردستان ایران با پیشروی و عقب نشینی ظاهراً متناقضی روبرو بود. یکی عقب نشینی در عرصه‌ی نظامی، که طی آن ارگانهای رهبری و بخشهایی از نیروی پیشمرگ کومه‌له و حزب دمکرات به کردستان عراق انتقال یافتند و تقریباً عمده مناطق آزاد توسط جمهوری اسلامی تصرف شد، دیگری پیشروی جنبش کارگری و جنبش اعتراضی توده‌ای شهری علیه جمهوری اسلامی که بر فشار خود بر جمهوری اسلامی میافزود و جامعه را رادیکالیزه میکرد. پا به پای آن کمونیسیم نیز در کردستان ایران که کومه‌له آن دوره آن را نمایندگی میکرد در حال گسترش بود و تدریجاً به یک واقعیت اجتماعی تبدیل میشد. در مورد حزب دمکرات برخلاف کومه‌له قضیه کاملاً برعکس بود. فعالیت مسلحانه که کل افق و استراتژی ناسیونالیسم گُرد و حزب دمکرات را تشکیل میداد در حال رکود بود و با میلیتاریزه کردن کامل کردستان توسط جمهوری اسلامی، میدان عمل آن نیز هر روز تنگتر میشد. برای سازمانی کمونیستی که اتکالیش به طبقه و مبارزه توده زحمتکش باشد، رکود در عرصه‌ی نظامی میتواند موقتا رکود در بخشی از فعالیتش باشد نه کل فعالیتش. در مورد حزب دمکرات که مبارزه نظامی کل افقش را تشکیل میداد، قضیه کاملاً برعکس بود. ملاک پیش روی و پس روی او وجود یا عدم وجود منطقه تحت کنترل نیروی پیشمرگ بود. عقب نشینی در عرصه‌ی نظامی و در عین حال بی ربطی حزب دمکرات به مبارزه اقتصادی و اجتماعی توده‌ی کارگر و زحمتکش کردستان که در حال گسترش بود، افق ناسیونالیسم گُرد و حزب مربوطه را بیش از پیش تاریک تر میکرد. در نتیجه استیصال عملی و نیاز به سازش با بورژوازی مرکزی (جمهوری اسلامی) به عنوان عامل دیگری حزب دمکرات را به نشان دادن ضرب شست به کمونیسیم و تشکیلات کمونیستی طبقه‌ی کارگر که کومه‌له‌ی آن دوره آن را نمایندگی میکرد، کشاند. حزب دمکرات در آن دوره با توسل به نیروی نظامی خود میخواست یک تناسب قوای جدید را به کومه‌له‌ی آن دوره تحمیل کند تا از این طریق کومه‌له و به تبع آن توده‌ی کارگر و مردم زحمتکش کردستان ایران را به تمکین وادارد. به این هدف در کنگره ششم خود (سال ۶۳) بی آن که مساله خاصی میان کومه‌له و حزب دمکرات پیش آمده باشد، پروژه جنگ سراسری خود را با کومه‌له مطرح کرد، در پلنوم بعد از آن کنگره آن را تصویب کرد و بعداً نیز آن را رو به جامعه علناً اعلام کرد و سرانجام در ۲۵ آبانماه سال ۶۳ با حمله‌ی از قبل سازمانیافته‌ی خود به پیشمرگان و مقرهای کومه‌له‌ی آن دوره در شهر "نوسود" و "شویشمه" در ناحیه اورامان "ضرب شست" خود را نشان داد و شیپور جنگ سراسری خود علیه کومه‌له را به صدا در آورد.

روز ۲۵ آبان ماه ۶۳ تشکیلات حزب دمکرات در اورامان حمله به پیشمرگان و مقرهای کومه‌له در (نوسود و شویشمه) را آغاز کرد و جنایت آفرید. حزب دمکرات برای این حمله از قبل تدارک دیده بود، نیروهای خود را آماده کرده و نیروی مقاومت محلی خود در "نوسود و شویشمه" را نیز فراخوانده و به حال آماده باش در آورده بود. بر اثر این حمله‌ی جنایتکارانه سه تن از مسئولان و پیشمرگان کومه‌له در اورامان جان خود را از دست دادند، ۱۰ تن دیگر نیز که زنده اسیر شده بودند بی رحمانه تیرباران میشوند، مقرهای کومه‌له را با سلاحهای سنگین درهم می کوبند و چادر درمانگاه کومه‌له را نیز به آتش میکشند. در این مورد دو جلد کتاب به نام "فاجعه اورامان"، جلد یک و دو، توسط کومه‌له آن دوره در سال ۶۳ به زبان گُردی منتشر شد که بعداً به زبان فارسی نیز ترجمه شدند. در این دو جلد چگونگی این فاجعه و نتایج

تشنج فی مابین کاهش یابد. بعد از رفت و آمدهای هیئت تحقیق معلوم شد که دفتر سیاسی حزب دمکرات در جریان این حمله بوده و کاری را که خود از آن مطلع بوده است حاضر نبود محکوم کند. ما هم در آن دوره به علت حساس بودن وضعیت و اجتناب از درگیری دیگری با حزب دمکرات علیرغم از دست دادن رفقای خود، پیگیری در این مورد را متوقف کردیم و قضیه را مسکوت گذاشتیم. سالها بعد از این واقعه "سعید کویستانی" که در زمان حمله پیشمرگان حزب دمکرات به مقر کومه‌له یکی از اعضای کمیته ناحیه سردشت یا مسئول ناحیه سردشت حزب دمکرات بود و خود از نزدیک شاهد این ماجرا بوده است، اعتراف میکند که دبیرکل وقت و دفتر سیاسی حزب دمکرات از این که پیشمرگان حزب دمکرات بدون هیچ دلیلی به مقر کومه‌له حمله میکنند و مرتکب جنایت میشوند، کاملاً مطلع بود. برای صحت و سقم این ادعا به کتاب خاطرات سعید کویستانی مراجعه شود. نتیجه هیئت تحقیق هم این را نشان میداد، با وجود این دفتر سیاسی حزب دمکرات حتی برای اجتناب از درگیری و با تخفیف تنش میان حزب دمکرات و کومه‌له حاضر به محکوم کردن این جنایت توسط مسئولین و پیشمرگان خود در ناحیه سردشت نشد.

در تیرماه ۶۲ هرچند هنوز زخم از دست دادن رفقایمان در ناحیه سردشت التیام نیافته بود، ما رهبری آن دوره کومه‌له با توجه به حساس بودن شرایط آن دوره و حمله قریب الوقوع جمهوری اسلامی به آخرین پایگاه ما در "نالان" سردشت، تصمیم گرفتیم که رهبری حزب دمکرات را ملاقات کرده و برای رسیدن به تفاهم و همکاری نظامی به ویژه دفاع از "نالان" سردشت با آنان به توافق برسیم. بدین منظور با پیشنهاد قبلی و قبول آن از جانب دفتر سیاسی حزب دمکرات، عبدالله مهدی و من در نشستی با قاسملو دبیر کل وقت حزب دمکرات و صادق شرفکندی معاون دبیرکل که آن موقع در روستای "اشکان" ناحیه سردشت اقامت داشتند، روی خطوط همکاری فی مابین به ویژه دفاع مشترک از "نالان" سردشت توافق کردیم و ظاهراً فضا را به حال "عادی" بازگرداندیم.

بعد از تشکیل حزب کمونیست ایران در شهریور ماه سال ۶۲، موضع حزب دمکرات نسبت به کومه‌له سازمان کردستان این حزب تهاجمی تر شد. حزب دمکرات مخالف تشکیل حزب کمونیست ایران بود، هرچند ابتدا با تمسخر آن را حزب "میش کهپه" میخواند (میش کهپه محلی است در آن سردشت که در شهریور ماه سال ۶۲ در آن کنگره موسس حزب کمونیست ایران برگزار شد). به تدریج هرچه فعالیت و پراتیک کمونیستی کومه‌له آن دوره روشنتر و شفافتر میشد، حزب دمکرات نیز چهره واقعی و ضد کمونیستی خود را بیشتر آشکار و رجز خوانی علیه کومه‌له آن دوره را تشدید میکرد. تا وقتی که تبلیغات و پراتیک کومه‌له‌ی آن دوره در محدوده "جنبش مقاومت"، در محدوده‌ی جنبش ملی و مطالبات آن، خودمختاری، و تا حدی فراتر از آن بود، ظاهراً حزب دمکرات به تحمیل جنگهای موضعی گاه و بیگاه علیه کومه‌له و تحدید فعالیت او رضایت داده بود. با گسترش تبلیغ و پراتیک کمونیستی کومه‌له، بالا رفتن مطالبات سوسیالیستی و کارگری در جامعه و متقابلاً منتسب شدن مبارزه و اعتراض توده‌ی کارگر و زحمتکش کردستان به کمونیسمی که کومه‌له‌ی آن دوره آن را نمایندگی میکرد، موضع حزب دمکرات هم در تقابل با کمونیسیم تهاجمی تر و خصمانه تر میشد. کاملاً آشکار بود با جلو آمدن مبارزه‌ی توده کارگر و زحمتکش در صحنه سیاسی کردستان ایران، افق ناسیونالیسم گُرد و حزب دمکرات کورت تر و

جنگ حزب دمکرات علیه کومه‌له ..

آشکار خودداری میکرد؟ ما به هیچ وجه خواهان تلافی و درگیری نبودیم، آن هم نه از سر ضعف و عدم توانائی در دست زدن به تعرض متقابل، بلکه از سر احساس مسئولیت در مقابل مبارزه مردم کردستان ایران علیه جمهوری اسلامی، گسترش درگیری جدیدی میان حزب دمکرات و کومه‌له را به ضرر این مبارزه و به نفع جمهوری اسلامی میدانستیم. ما نه تنها این بلکه تحمیل هر نوع درگیری حزب دمکرات به نیروهای کومه‌له را اقدامی در جهت منافع جمهوری اسلامی و تضعیف مبارزه مردم کردستان علیه رژیم اسلامی میدانستیم و جواب متقابل ما هم که حزب دمکرات ما را ناچار به آن میکرد در حدی بود که حزب دمکرات را سر جای خود بنشانند. آنچه که روشن بود، این بود که پیشمرگان حزب دمکرات به نیروهای کومه‌له در "اورامان" حمله کرده بودند، مقرهای ما را به آن پی‌چی بسته و چادر بیمارستان ما را آتش زده بودند، سه تن از رفقای ما را کشته و ۱۰ نفر از رفقای ما را اسیر و تیرباران کرده بودند. مردم محل که جرات میکردند این جنایت آشکار را اقیاء میکردند، گزارش هیئت تحقیق هم این را مدلل میکرد. باوجود این ما گفتیم اگر رهبری حزب دمکرات واقعا حاضر شود این فاجعه را محکوم کند و مسببین این جنایت را دادگاهی و مجازات کند، ما از حق خود، یعنی دست زدن به تعرض متقابل، صرفنظر می‌کنیم و تفوق سیاسی خود را در جامعه بر حزب دمکرات ثابت می‌کنیم. اما خودداری رهبری حزب دمکرات از محکوم کردن این جنایت هولناک دقیقا نشان داد که رهبری حزب دمکرات نه تنها خیال آشتی و صلح بلکه حتی خیال رفع تشنج با کومه‌له‌ی آن دوره را نیز نداشت. هدف حزب دمکرات به تمکین و داشتن و تحدید فعالیت کمونیستی کومه‌له بود، به زعم خود آن را شروع و برای ادامه آن نیز خود را آماده کرده بود. در نتیجه امتناع ما از دست زدن به تعرض متقابل نه تنها کمکی به کاهش جنگ افروزی حزب دمکرات علیه کومه‌له نمیکرد، بلکه رهبری این حزب را که حتی حاضر نبود این فاجعه را محکوم کند در ادامه‌ی تحمیل فجایع بیشتری به کومه‌له‌ی آن دوره جری تر میکرد. رهبری حزب دمکرات راهی جز تعرض متقابل برای ما، رهبری کومه‌له در آن دوره، باقی نگذاشته بود. ما همهی تلاش سیاسی خود به کار بستیم که مانع این درگیری شویم، رهبری حزب دمکرات که آن را شروع کرده بود، حاضر به متوقف کردن آن نبود. ناچار راه تعرض متقابل را در پیش گرفتیم. پاسخ متقابل ما در ۶ بهمن ماه سال ۶۳ به جنگی که حزب دمکرات علیه ما شروع کرده بود، در "اورامان" یعنی جایی که نیروهای حزب دمکرات حمله خود را شروع کرده بودند، داده شد. همانطور که پیش بینی میکردیم، حزب دمکرات به جای مذاکره و آتش بس، جنگ سراسری خود را که با حمله نیروهای خود به نیروهای کومه‌له در ۲۵ آبانماه سال ۶۳ شروع کرده بود، با بسیج نیرو و عریده کشی معمول رهبری حزب دمکرات ادامه داد. جنگ سراسری حزب دمکرات علیه کومه‌له عملا از سال ۶۳ تا سال ۶۷ طول کشید، و به قیمت از دست دادن جان عده‌ی زیادی از رفقای فداکار و رزمنده و کمونیست کومه‌له‌ی آن دوره که در راه آزادی و سوسیالیسم جنگیدند، تمام شد. عده زیادی از نیروهای حزب دمکرات نیز قربانی سیاست ضد کمونیستی و ضد کارگری و خشک مغزی رهبری حزب دمکرات شدند. این جنگ در سال ۶۷ با اعلام آتش بس یک جانبه از جانب کومه‌له عملا به پایان رسید، هرچند تا مدتی بعد از آن نیز حالت جنگی به علت خودداری رهبری حزب دمکرات از اعلام آتش بس، برقرار بود و رهبری حزب دمکرات به خیال خود آن را پایان یافته تلقی نمیکرد. بی‌افقی ناسیونالیسم گرد در این دوره و ناکامی حزب دمکرات در جنگ علیه کومه‌له‌ی آن دوره به اختلافات درونی آن دامن زد و سرانجام آن را منشعب کرد. جالب این بود که دفتر سیاسی وقت حزب دمکرات تلاشهای سازمانهای سیاسی اپوزیسیون ایران در کردستان عراق حتی دوستان خود حزب دمکرات از قبیل راه کارگر و اقلیت را برای خاموش کردن این جنگ و اعلام آتش بس از جانب حزب دمکرات، بدون جواب میگذاشت و

کار هیئت تحقیقی که بدین منظور تشکیل شده بود به تفصیل بیان شده است، کسانی که مایل باشند از جزئیات مربوط به این رویداد مطلع باشند میتوانند به این دو جلد کتاب مراجعه کنند. باوجود ابعاد به غایت هولناکی که این فاجعه داشت، به خاطر اجتناب از درگیری، ما، رهبری کومه‌له‌ی آن دوره، دست به اقدام متقابل نزدیم با وجود این که قادر به انجام آن بودیم، بلکه از رهبری حزب دمکرات خواستیم که این جنایت کاملا آشکار را محکوم کند و مسببین آن را نیز مجازات کند تا از جنگ دیگری اجتناب شود و ضایعات و خسارات دیگری دامن این دو تشکیلات را نگیرد. بدین منظور هیئت تحقیقی مرکب از ابراهیم جلال و جمیل همورامی از اتحادیه میهنی کردستان و مصطفی شلماشی و ماموستا گوران (حسن ایوب زاده) از حزب دمکرات و فاتح شیخ الاسلامی و فاروق بابامیری از کومه‌له برای بررسی این جنایت تشکیل گردید. نتیجه کار این هیئت تحقیق همان طور که پیشتر گفتیم در دو مجلد، "فاجعه اورامان" یک و دو، چاپ شده است. رهبری حزب دمکرات که خود طرح این جنگ را برای شروع جنگ سراسری خود با کومه‌له از قبل ریخته بود، در جریان لحظه به لحظه‌ی آن قرار داشت. حکیم رضائی عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات و مسئول کمیته ناحیه اورامان این حزب در جواب به سوالات هیئت تحقیق میگوید که دفتر سیاسی حزب دمکرات لحظه به لحظه در جریان این جنگ قرار داشت، در این مورد به فاجعه‌ی اورامان جلد دوم، نوار پیاده شده اظهارات حکیم رضائی مراجعه کنید). حزب دمکرات حتی خود را برای گسترش آن در دیگر نقاط کردستان ایران نیز آماده کرده بود. حزب دمکرات با وجود نتایج گزارش هیئت تحقیق از این واقعه حاضر به محکوم کردن این جنایت که در آن پیشمرگان حزب دمکرات ۱۰ انسان اسیر را تیرباران کرده بودند، نشد. دفتر سیاسی حزب دمکرات به جای محکوم کردن این جنایت آشکار با پرده پوشی آن به شیوه‌ی حزب دمکرات، صدور فرمان آن را از جانب خود ثابت کرد. حزب دمکرات از سویی با راه انداختن ماشین دروغ و جعل خود در باره حوادث اورامانات و از سویی دیگر با ایجاد فضای رعب و وحشت در میان مردم اورامان تمام کوشش خود را برای پرده پوشی این جنایت هولناک و جلوگیری از رسیدن حقایق به هیئت تحقیق به کار برد. سناریو سازی مسئولان حزب دمکرات در اورامان به قدری ناشیانه بود که حتی خود آنان را نیز قانع نمیکرد چه رسد به اعضای هیئت تحقیق. با خودداری رهبری حزب دمکرات از محکوم کردن این جنایت آشکار، حزب دمکرات راهی برای کومه‌له جز دست زدن به اقدام متقابل باقی نگذاشت. حزب دمکرات ماشین جنگی خود را علیه کمونیسم در کردستان ایران که کومه‌له‌ی آن دوره آن را نمایندگی میکرد به حرکت درآورده بود، ضربه‌ی اول را در اورامان وارد کرده بود، زدن ضربه‌ی دوم حزب دمکرات هم قطعی بود، در صورت سکوت کومه‌له و امتناع کومه‌له از تعرض متقابل ضربات بعدی بسیار زیانبارتر برای کومه‌له تمام میشد. رهبری ای که حاضر نبود اقدام آشکار اسرای کومه‌له را محکوم کند، خود را برای دست زدن به جنایات هولناک تری آماده کرده بود. نیروهای حزب دمکرات در اورامان حتی به شیوه‌ی جمهوری اسلامی از دفن کردن پیشمرگان کومه‌له در قبرستان عمومی تحت این عنوان که کمونیستها را نباید در قبرستان عمومی دفن کرد جلوگیری میکنند که با اعتراض مردم روبرو میشوند. بنابراین سوالی که در مقابل ما قرار داشت این بود که چه باید کرد و رهبری کومه‌له باید چه عکس العملی را از خود نشان دهد، اکنون که رهبری حزب دمکرات از محکومیت این جنایت کاملا

جنگ حزب دمکرات علیه کومهله ...

د- اخذ گمرکات و عوارض و مالیات و کلیه‌ی وجوهی که از دارائیهای مردم وصول میشود به جز حق عضویت اعضای سازمانهای سیاسی و کمکهای داوطلبانه هموطنان به هریک از سازمانهای سیاسی.

۳- پس از حصول توافق در مورد نحوه‌ی اداره‌ی اجرائی و قوانین جاری و همچنین در مورد نسبت نیروها، می توان کومهله را هم در حاکمیت شرکت داد و هم از درآمد حاصله از کمرگ و عوارض و مالیات و غیره متناسب با حجم این شرکت برخوردار نمود. ۴- پس از حصول توافق در مورد آتش بس در جریان مذاکره مابین هماهنگی و همکاری نظامی حزب دمکرات و کومهله به منظور مقابله با نیروهای مسلح رژیم خمینی با موافقت طرفین تنظیم میگردد. همان منبع

کمیسون در نامه ای که متوجه زیادی بودن شروط حزب دمکرات به کومهله‌ی آن دوره میشود، طی نامه ای در تاریخ ۳ مرداد ماه ۶۶ به دفتر سیاسی حزب دمکرات مینویسد که پیشنهادات حزب دمکرات را صرفاً جهت اطلاع برای رهبری کومهله آن دوره میفرستد. همان منبع.

حزب دمکرات اینجا البته "شروط" (پیشنهادات!) خود را نسبت به شروط قبلی حزب دمکرات در گرماگرگ جنگ آن موقع که حزب دمکرات خواب پیروزی بر کومهله را میدید و از رادیوی خود به شیوه لمپن مابانه‌ی خود عربده میکشید که "شوق دهزانی قوناخ له کوی‌یه" (زور مسیر را تعیین خواهد کرد) و میخواست با زور چماق سند "انقلابی" بودن خود را از کومهله‌ی آن دوره بگیرد ظاهراً با آشکار شدن درجه ای از تناسب قوا تا حدودی تخفیف داده بود. اوایل، جنگ جنگ تا پیروزی شعار بی پرده حزب دمکرات بود. وقتی در میدان نبرد کاری از پیش نبرد، شروط خود را پیشنهاد کرد تا بتواند سیاست جنگ طلبانه خود را هم چنان ادامه دهد. چکیده‌ی شروط اولیه‌ی حزب دمکرات برای آتش بس از این قرار بودند: ۱- کومهله اعلام کند که حزب دمکرات را بعنوان یک حزب اصیل انقلابی به رسمیت میشناسد. ۲- کومهله در نزد سازمانهای سیاسی موجود در کردستان تعهد بسپارد که رودیداد ۶ بهمن را در هیچ جایی تکرار نخواهد کرد. ۳- کومهله بپذیرد که خودش نماینده اقلیت کوچکی است و باید از اراده اکثریت - یعنی حزب دمکرات - تبعیت کند. کردستان شماره ۱۰۳.

در مقابل، پیشنهادات کومهله‌ی آن دوره برای آتش بس اینها بودند: الف - طرفین آزادی فعالیت سیاسی را به طور کامل به رسمیت بشناسند و در عمل مراعات کنند. ب- طرفین متعهد شوند که در قبال اختلافات سیاسی فی مابین به اسلحه متوسل نمیشوند و به این ترتیب از درگیری مسلحانه با یکدیگر خودداری میورزند. ج- طرفین حق توده‌های مردم و احاد جامعه را برای این که آزاده و بنا به اراده‌ی خود راه سیاسی و حزب سیاسی خود را انتخاب کنند به رسمیت بشناسند و تعهد کنند که در این رابطه بزور متوسل نخواهند شد. نه تنها اینها که شروط جدید رهبری حزب دمکرات نیز به اندازه‌ی کافی گویای این بود که هدف حزب دمکرات از این جنگ علیه فعالیت کومهله، سلب استقلال سیاسی از طبقه کارگر کردستان، به تمکین و اداشتن کومهله و از این طریق تبدیل کردن کومهله به تشکیلاتی زیر دست حزب دمکرات آن طور که حزب دمکرات دلش میخواست، بود. رهبری حزب دمکرات آن قدر کوتاه بین و در عین حال از خود راضی بود که حاضر نبود تناسب قوای واقعی موجود میان حزب دمکرات و کومهله را به رسمیت بشناسد. رهبری کومهله‌ی آن دوره خواهان اعلام آتش بس فوری و قطع جنگ و گفتگو با رهبری حزب دمکرات بود. ما برای حصول آن هم اقدام کردیم و بارها آمادگی خود را برای قطع فوری جنگ و مذاکره با رهبری حزب دمکرات اعلام کردیم. حتی مردمی را که از شهرها و روستای مختلف کردستان ایران طومار جمع کرده و خواهان قطع فوری این جنگ بودند به ادامه کار خود تشویق میکردیم، نه به این خاطر که توانائی ادامه جنگ را نداشتیم، بلکه به این

همچنان سرسختانه به سیاست جنگ طلبانه‌ی خود علیه کومهله ادامه میداد، در خرداد ماه سال ۶۶ شش جریان سیاسی، دفتر شیخ عزالدین حسینی، چریکهای فدائی خلق ایران، چریکهای فدائی خلق ایران (ارتش رهاپیش خلقهای ایران)، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، دفتر سیاسی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و کومهله یکسانی در قطع نامه‌ی مشترکی اعلام آمادگی کردند که برای برقراری آتش بس میان حزب دمکرات و کومهله فعالانه شرکت میکنند. در این قطع نامه آمده بود .. که ما نیروهای سیاسی امضاء کننده زیر (شش جریان نام برده) از دو طرف درگیر موكدا میخواستیم:

- ۱- جنگ را فوراً قطع نمایند.
- ۲- اختلافات خود را به طریق سیاسی حل و فصل کنند.
- ۳- به آزادی تبلیغ و ترویج و حق فعالیت سیاسی- نظامی متعهد شوند.

(امضاء شش جریان سیاسی نامبرده در زیر آن آمده است) ۱۶، منبع (شش) جریان سیاسی و درگیرهای کومهله با حزب دمکرات، انتشارات و تبلیغات حزب دمکرات، سال ۶۶، اوت ۱۹۸۷)

از میان این شش جریان سیاسی کمیسون منتخبی مرکب از: چریکهای فدائی خلق ایران، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) انتخاب شد. این کمیسون در نامه ای در به تاریخ ۲۴ تیرماه ۶۶ برای رهبری حزب دمکرات و کومهله از آنان میخواستند که برای بحث حول قطع نامه پیشنهادی این شش جریان سیاسی با کمیسون منتخب ملاقات کنند. کومهله در ۳۰ خرداد ماه سال ۶۶ به پیشنهاد این کمیسون جواب مثبت میدهد و اعلام آمادگی میکند. حزب دمکرات به بهانه‌ی مشغله زیاد از آن سر باز میزند. حزب دمکرات در نوشته‌ی که در همین جزوه چاپ شده است میگوید این سه شرط شرطهای کومهله است و وی آن را قبول ندارد. دفتر سیاسی حزب دمکرات در نامه‌ی شرطهای خود را برای قبول آتش بس با کومهله که گویا آن را تخفیف داده بود، برای این کمیسون میفرستد. حزب دمکرات در نامه‌ی خود، پیشنهادات! خود را برای پایان دادن به درگیریهای مسلحانه با کومهله چنین مطرح میکند:

حزب دمکرات و کومهله میپذیرند که:

- ۱- جنبش کردستان یک جنبش اصیل انقلابی است و حزب دمکرات و کومهله هرکدام به تناسب نیروی خود در آن شرکت دارند. ۲- حاکمیت و اجرائیات در کردستان باید بیانگر اراده اکثریت مردم کردستان باشد. حزب دمکرات مطابق معیارهای پیشنهادی (تعداد شهدا، تعداد پیشمرگان، مراجعه به انتخابات گذشته، وضعیت مناطق تحت نفوذ) نماینده اکثریت مردم کردستان است و به همین جهت تا هنگامی که مردم کردستان در آینده از ادانه طور دیگر تصمیم نگیرند حاکمیت و اجرائیات به عهده‌ی حزب دمکرات کردستان ایران خواهد بود.

اعمال حاکمیت شامل موارد زیر میگردد:

- الف- رسیدگی به کلیه اختلافاتی که در میان هموطنان بروز میکند و برای حل آن به نیروی پیشمرگ و ارگانهای انقلابی کردستان مراجعه میشود. حل و فصل همه مسائلی که در شرایط عادی رسیدگی به آن در صلاحیت ارگانهای دولتی است.
- ب- تعقیب و محاکمه و مجازات مجرمین قضائی، جنائی و سیاسی به استثنای اسرای جنگ.
- ج- وضع و اجرای قوانین به منظور اداره‌ی امور مناطق کردستان.

جنگ حزب دمکرات علیه کومه‌له ...

کومله‌ی وقت را پرده پوشی میکند، به این هدف که نفرت علیه کمونیسم را دامن بزند و در ضمن به درپوزگی در محضر و بارگاه حزب دمکرات برود، و متأسفانه این وارونه کردن رذیله‌ی حقایق توسط امثال عبدالله مهتدی با سکوت سازمان کومله روبرو میشود، من خوانند را به گوشه‌هایی از نظرات عبدالله مهتدی در آن دوره در این مورد جلب می‌کنم: عبدالله مهتدی در کمونیست‌های شماره ۱۵، مورخ ۳۰ آذر ماه ۶۳ در مورد مضمون و محتوایی که جنبش ملی در کردستان به زعم او باید به خود بگیرد چنین می‌نویسد: "حزب دمکرات خواهان هرچه بیشتر محدود کردن و دم بریده کردن این جنبش، هرس کردن جنبه‌های انقلابی و دمکراتیک آن و تبدیل آن به جنبشی با محتوای لیبرالی، جنبشی که متضمن هیچ‌گونه تغییر واقعی در زندگی توده‌ها و مناسبات اجتماعی موجود نیست بلکه وضع موجود را با حداکثر تغییرات جزئی حفظ میکند..." همانجا عبدالله مهتدی شرط پیشروی "جنبش ملی" را در سوار کردن سیاستها و رهبری کمونیستها بر آن میدانند. به این دلیل بارها به مواردی از این دست که حزب دمکرات خود ترمیزی بر سر راه جنبش کردستان (جنبش ملی‌گرد) است اشاره میکند. می‌نویسد: "حزب دمکرات تکیه‌گاه و نقطه قوت جنبش کردستان نیست، بلکه نقطه ضعف آن است، حزب دمکرات نقطه امید جنبش نیست، بلکه محل تولید خطر برای آن است..." همانجا. یا در جای دیگری در ادامه‌ی این خط جنبش ملی را ایده‌آلیزه میکند و مینویسد: "حزب دمکرات نه حزب جنبش ملی بلکه حزب بورژوازی در جنبش ملی است، مدتهاست که دیگر جنبش انقلابی بر حزب دمکرات سنگینی میکند..." از نظر عبدالله مهتدی جنگ ما و حزب دمکرات بر سر تامین هژمونی در "جنبش کردستان" بود که در این صورت و با این تحلیل می‌بایست تا از میدان به درکردن یکی توسط دیگری ادامه مییافت. این را میتوان به روشنی در سرتاسر نوشته‌های عبدالله مهتدی در نشریه‌های کمونیست شماره‌های ۱۹ و ۲۰، سال ۶۴ مشاهده کرد. می‌نویسد: "جنگ حزب دمکرات علیه ما ادامه‌ی ناگزیر سازشکاری و خیانت پیشگی وی در قبال انقلاب در کردستان است، ... در مقابل، جنگ ما سازمان کردستان حزب در مقابل این نیروی بورژوائی لجام گسیخته، جنگی است به منظور حفظ و بسط جنبش انقلابی کردستان ... یا .. امروزه دفاع از جنبش کردستان ... فقط یک معنی میتواند داشته باشد و آن هم حمایت از رهبری پرولتری این جنبش و موضعگیری علیه رهبری بورژوائی آن تواما مییباشد. بورژوازی(گرد) صلاحیت، توان و تمایل خود را به پیروزی انقلاب رها نیکش کردستان نه فقط در وجه تاریخی آن بلکه به معنای سیاسی، عملی و مبرم آن نیز از دست داده است، رهبری حزب دمکرات بر این جنبش تنها میتواند به انفعال و دلسردی توده‌ها، زائل شدن مضمون دمکراتیک و انقلابی آن، مسخ و به سازش کشیده شدن و سرانجام شکست جنبش کردستان منجر شود. اینها واقعیت بحثها و جدالهای آن دوره در مورد جنگ حزب دمکرات علیه کومه‌له را درون رهبری کومه‌له‌ی آن دوره منعکس میکند. خوشبختانه اسناد و همان طور که در بالا مثالها و حتی روز شمار آن را نیز آورده‌ام، جعل و قلب آن واقعیات نیز فقط باعث بی‌آبرویی اینها و تنفر و انزجار مردم و کسانی که از نزدیک شاهد آن رویدادها بوده‌اند، از آنان میگردد. در مقابل، منصور حکمت با سند ارزیابی و بویژه نگرش عبدالله مهتدی و بعضی از اعضاء کمیته مرکزی کومه‌له‌ی آن دوره که جنگ سراسری حزب دمکرات علیه کومه‌له را جنگی بر سر رهبری و هژمونی بر "جنبش کردستان" میدانستند کاملاً مخالف بود. منصور حکمت معتقد بود که جا دادن کومه‌له و حزب دمکرات در "جنبش کردستان" راست روی و امتیاز دادن به حزب دمکرات و قبول ضمنی همان شروطی میشود که حزب دمکرات به زور اسلحه آن را از کومه‌له میخواست و در عمل چپ روی نظامی به دنبال میآورد.

خاطر که ادامه آن را به نفع جمهوری اسلامی و به قیمت تحمیل تلفات و ضایعات بیشتری برای طرفین درگیر میدانستیم. رهبری حزب دمکرات اما علیرغم ناکامی در این جنگ حاضر نبود که آن را پایان دهد. آنتی کمونیسم شدید رهبری حزب دمکرات باعث شده بود که رهبری حزب دمکرات نه تنها واقعیتهای جامعه کردستان ایران را قبول نکند و سرسختانه در مقابل آن بایستد، بلکه هر نوع تلاش ما، رهبری کومه‌له‌ی آن دوره، را نیز حمل بر ضعف ما میکرد و غرور احمقانه خود را با آن باد میزد. همان طور که میدانید "شروط" حزب دمکرات که در آن سیاسی بودن نیز از نظر حزب دمکرات جرم محسوب میشد، نه تنها آن دوره روی کاغذ ماند بلکه اکنون روی کاغذ نیز لکه‌نگی است بر پیشانی حزب دمکرات. در این رویدادها بقایای چپ سنتی از راه کارگر گرفته تا اقلیت عملاً در کنار حزب دمکرات بودند، در مواردی حتی نقش سخنگوی بورژوازی‌گرد را عهده دار میشدند. مثل روز روشن بود که حمایت چپ سنتی از حزب دمکرات و به ویژه انکار سرمایه داری بودن جامعه‌ی کردستان ایران از طرف چپ لیبرال، وحدت کمونیستی که در آن دوره موجود بود، و از طرف حزب دمکرات، نعل وارونه‌تئوریک بود برای دربردن حزب دمکرات و ناسیونالیسم‌گرد از زیر تیغ انتقاد کارگری و کمونیستی.

در درون کومه‌له در مورد جنگ سراسری حزب دمکرات علیه کومه‌له مباحث متعددی صورت گرفت و اسنادی نیز در همین رابطه نوشته شدند. در مجموع کومه‌له سیاست انقلابی و مسئولانه‌ای داشت، در عین حال در برخورد به این جنگ نظرات مختلف هم شکل گرفت از جمله آن زمان، دو سند وجود داشت یکی سند ارزیابی کمیته مرکزی کومه‌له و دیگری قطعنامه‌ی کمیته مرکزی کومه‌له‌ی آن دوره در مورد جنگ حزب دمکرات علیه کومه‌له. آن موقع مشخصاً عبدالله مهتدی و عموماً اعضاء کمیته مرکزی کومه‌له‌ی آن دوره مطابق سند ارزیابی فکر میکردند و معتقد بودند که جنگ سراسری حزب دمکرات علیه کومه‌له جنگی بود بر سر هژمونی و تامین رهبری خود در "جنبش کردستان". تبیینی تماماً ناسیونالیستی به عنوان مبنای این جنگ. در این تبیین کردستان ایران به طور استراتژیک بین دو حزب یک جنبش تقسیم میشد که مبارزه برای تامین هژمونی و رهبری بر این جنبش بین این دو حزب الزامی و حال به درگیری نظامی بر سر آن کشیده شده بود. این تز به درست مورد نقد منصور حکمت قرار گرفت و به تز دو حزب در یک جنبش در میان ما پایان داد و ماهیت جنگ حزب دمکرات علیه کومه‌له‌ی آن دوره را به درست و سرجای خود توضیح داد. علت درگیری حزب دمکرات با کومه‌له‌ی آن دوره، در واقع جدال بر سر کسب هژمونی در یک جنبش واحد ملی نبود، بلکه تقابل طبقات و جنبشهای مختلف طبقاتی بود. یکی جنبش ملی‌گرد که رهبری آن با بورژوازی و حزب مربوطه، حزب دمکرات، با صندلی و سنت خود، دیگری جنبش کمونیستی طبقه کارگر با سازمان سیاسی آن کومه‌له و اهداف و آرمانهای طبقاتی خود. جنگ حزب دمکرات علیه کومه‌له به خاطر تسویه حساب با این نیرو و سازمان سیاسی این طبقه و این جنبش بود، نه تامین هژمونی خود بر جنبش ملی‌گرد، که همیشه و فی الحال برای او تامین بوده و هست.

(با توجه به این که سازمان زحمتکشان این اواخر رسماً در باره‌ی ماهیت جنگ حزب دمکرات با کومه‌له، دست به جعل میزند، و با منتسب کردن شروع جنگ به کمونیستهای "فارس" و شخص منصور حکمت، آغاز جنگ توسط این حزب و جنگ و جنایت آن دوره‌ی حزب دمکرات علیه

جنگ حزب دمکرات علیه کومه‌له ...

شد و به تصویب کمیته مرکزی کومه‌له رسید که در زیر توجه تان را به آن جلب می‌کنم:

اطلاعیه کمیته مرکزی کومه‌له در باره موقعیت کنونی حزب دمکرات و ختم درگیری جنگ داخلی در کردستان

کارگران و زحمتکشان! مردم مبارز کردستان! بحران سیاسی و بن بست عملی حزب دمکرات آن را به انشعاب کشانید. اینک سردرگمی و پریشانی تمام پیکر بخشهای مختلف این جریان را در بر گرفته است. مناقشات و افشاگریهای متقابل جناحها و گروهبندهای حزب با صراحت تکان دهنده‌ای موقعیت و سیمای سیاسی امروز حزب دمکرات را در برابر مردم تصویر میکند. اکنون دیگر عمق انحطاط، بی‌افقی و ناتوانی سیاسی حزب دمکرات بیش از هر زمان آشکار شده است.

اما بر خلاف آنچه طرفین این منازعه ادعا میکنند، وضعیت کنونی و بحران عمیق حزب دمکرات رویدادی ابتدا به ساکن نیست که در آخرین کنگره حزب و صرفاً در نتیجه مقام‌طلبی یکی و باند بازی دیگری، استبداد منشی یکی و بی‌اصولی دیگری و نظایر آن به وقوع پیوسته باشد. سرنوشت احزاب و نیروهای سیاسی قبل از هر چیز تابعی از موقعیت عینی آنان در صحنه مبارزه طبقات در جامعه است. بحران و بن‌بست حزب دمکرات اساساً انعکاسی از این واقعیت است که کارگر و زحمتکش گردد، با خواستها و مطالبات خود، با پرچم خود، با سازمان و حزب خود پا به میدان گذاشته و به نیروی محرکه جنبش در کردستان تبدیل شده است. بحران حزب دمکرات انعکاس این واقعیت است که در متن مناسبات سرمایه‌داری طبقه کارگر آن چنان وزن اجتماعی و سیاسی یافته است که دیگر میتواند محور همه تحولات اجتماعی قرار بگیرد. عقب ماندگیهای سنتی و خرافات و تعصبات ارتجاعی در برابر ظهور و رشد این طبقه پیشرو رنگ میبازند و تمام آن احزاب و جریاناتی که موجودیت خود را به چنین عقب ماندگیهایی منکی کرده‌اند به اضمحلال و انزوا کشیده میشوند. سیر رشد آگاهی سیاسی توده‌های کارگر و زحمتکش و مطرح شدن شعارها و مطالبات دموکراتیک و سوسیالیستی طبقه کارگر در کردستان در عین حال سیر نزول و انزوای این حزب بوده است. حزب دمکرات به عنوان جریانی که دیگر به گذشته‌ی جامعه‌ی کردستان تعلق دارد، به عنوان جریانی که نه قادر به درک مسائل نو جنبش و جامعه بود و نه یارای ارائه پاسخ و راه حلی در قبال این مسائل داشت به انزوا و بحران کشیده شد.

حزب دمکرات واقعیت تغییر یافته‌ی جامعه‌ی کردستان را انکار کرد و در برابر آن قد علم کرد. حزب دمکرات نپذیرفت که کردستان امروز کردستان کارگران و زحمتکشان و جنبش امروز جنبش کارگران و زحمتکشان است. حزب دمکرات حتی وجود طبقه کارگر در کردستان را منکر شد و در برابر کارگر و زحمتکش گردد، خواستها و آرمانهای او و نهایتاً حزب سیاسی او ایستاد و امروز تاوان این کوتاه نظری و خشک مغزی خود را میپردازد.

در پاسخ به چنین بن بست و انزوای سیاسی ای بود که حزب دمکرات در ۲۵ آبانماه سال ۶۳ تعرض مسلحانه‌ی سازمان یافته‌ی او را به واحدها و مقرهای پیشمرگان کومه‌له آغاز کرد. توطئه‌ی مسلحانه‌ی حزب دمکرات علیه کومه‌له تازگی نداشت، اما آنچه که دوره‌ی اخیر را متمایز میساخت این بود که این بار حزب دمکرات به یک جنگ سراسری و تمام عیار با کومه‌له پای گذاشته بود. رهبری حزب دمکرات می‌پنداشت که میتواند به نیروی اسلحه روند پیشروی حزب و طبقه پیشرو در کردستان و سیر اضمحلال و انزوای سیاسی خود را کند کند. حزب دمکرات با هدف محدود ساختن دامنه‌ی فعالیت آزادانه‌ی کمیونستی و مرعوب ساختن کارگران و زحمتکشان کردستان به جنگ با کومه‌له دست یازید و طی این مدت علاوه بر بکارگیری همه ظرفیت نظامی اش علیه کومه‌له، با دست آویز قرار دادن ابزارهایی چون مذهب، ناسیونالیسم تنگ

در واقع هم به دلیل اشغال نظامی کردستان توسط جمهوری اسلامی نه جایی برای حاکمیت و به قول حزب دمکرات "اجرائیات" باقی مانده بود و نه جنبش اعتراضی آن چنان رو به اعتلائی بود که مسأله‌ی انتخاب این یا آن آلترناتیو معین را به مسأله‌ی فوری روز تبدیل کرده باشد که جنگ بر سر هژمونی بر آن را اجتناب ناپذیر و یا در دستور کار قرار داده باشد. منصور حکمت میگفت اگر جنگ حزب دمکرات علیه کومه‌له بر سر رهبری و هژمونی در "جنبش کردستان" می‌بود، در این صورت این جنگ می‌بایست تا پیروزی و یا شکست یکی در مقابل دیگری ادامه پیدا میکرد و این افقی برای پایان دادن به جنگ پیش پای پیشمرگ و تشکیلات کومه‌له نمیگذاشت. او معتقد بود این نگرش شرایط ختم جنگ را نمی‌شناسد و شرایط پیروزی را تشخیص نمی‌دهد. میگفت جنگ حزب دمکرات علیه فعالیت و پراتیک کمیونستی است که کومه‌له‌ی آن دوره آن را نمایندگی میکرد و به هر درجه که ما مزاحمت حزب دمکرات را کم کرده باشیم به همان درجه به تناسب قوای معینی برای خاتمه دادن به این جنگ از جانب خود نزدیک تر شده ایم. به این دلیل در پلنوم قبل از کنگره ششم کومه‌له در سال ۶۷، منصور حکمت پیشنهاد کرد که کومه‌له یک جانبه اعلام آتش بس کند. این پیشنهاد با مخالفت و شک و تردید و این که اگر کومه‌له اعلام آتش بس کند و نیروی پیشمرگ حزب دمکرات به نیروهای ما حمله کند چه پیش خواهد آمد، روبرو شد؛ عبدالله مهدی، جواد مشکو و صلاح مازوجی منتع بودند، ابراهیم عزیزاده، شعیب زکریائی و من و یکی دو نفر دیگر از کمیته مرکزی کومه‌له موافق بودیم. منصور حکمت استدلال میکرد که جنگ حزب دمکرات علیه کومه‌له جنگی بود علیه ممانعت از تبلیغ کمیونسم، حال که آن چنان تناسب قوایی بین ما و حزب دمکرات ایجاد شده بود که نیروی نظامی حزب دمکرات دیگر نمی‌توانست مانع فعالیت کمیونستی ما شود، دلیلی نداشت که ما از اعلام آتش یک جانبه و پایان این جنگ از جانب خود تردید نشان دهیم. میگفت اعلام آتش بس یک جانبه از جانب کومه‌له در واقع اعلام پیروزی "دوفاکتویی" است که در آن از نظر ما دیگر توان نظامی حزب دمکرات قدرت این که جنگ علیه کومه‌له را به محور فعالیت ما تبدیل کند، ندارد و اعلام آتش بس یک جانبه بر اعتبار کومه‌له و اعتماد بنفس آن در جامعه و در میان مردم میافزاید و در عین حال فعالیت بخشهایی از تشکیلات کومه‌له را از حالت جنگی در آورده و روتین خواهد کرد. در کنگره ششم قطع نامه مربوط به اعلام آتش بس یک جانبه کومه‌له نوشته منصور حکمت تصویب و بعد از اتمام کنگره از رادیو اعلام شد.

رهبری حزب دمکرات به جای پیروی از کومه‌له و اعلام آتش بس بازم بر طبل جنگ کوبید که غیر از آبروریزی سیاسی نتیجه‌ای برایش ببار نیاورد. هم زمان جنگ دیگری را با جناح دیگری که از حزب دمکرات منشعب شده بود، آغاز کرد. حزب دمکرات با یکی دو حمله‌ی دیگر به پیشمرگان کومه‌له تلاش کرد که نشان دهد آتش بس یک جانبه کومه‌له را بی اعتبار خواهد کرد، لیکن معلوم بود دیگر آخرین نفسها را میکشد و رمق ادامه‌ی جنگ را به ویژه با بحران سیاسی ای که آن را فراگرفته بود، ندارد. معنی پیروزی از نظر ما هم تاکید مجددی بود بر این که کمیونسم در کردستان ایران مستقل است، فعالیت آن آزاد است و کسی نمی‌تواند از تشکل و سازمانیابی آن جلوگیری کند. این از نظر ما تأمین شده بود. مزاحمت‌های حزب دمکرات نیز رفع شده بود، در نتیجه به پیشنهاد منصور حکمت یک جانبه به جنگ پایان دادیم و آن را اعلام کردیم.

سند آتش بس کومه‌له با حزب دمکرات توسط منصور حکمت نوشته

آدرسهای تماس با حزب کمونیسیت کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

جمال کمانگر

jamalkamangar@yahoo.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

sharifi.nader@gmail.com

نظر، اخلاقیات عقب مانده نسبت به زنان و غیره کوشید تا بلکه برای تعرضش به کومهله پشتوانه‌ی مادی در میان ارتجاع کردستان به وجود بیاورد. اما واقعیات سرسخت تغییر یافته‌ی جامعه کردستان و اتکای کومهله به نیروی کارگر و زحمتکش بیدار شده گرد، هر روز بیشتر بی نتیجه بودن این تلاشها را به رهبران این حزب فهماند. این جنگ و پریشان گونی و سردرگمی سیاسی و تبلیغی حزب دمکرات در پی آن، این حزب را بیش از پیش در یک تجربه‌ی زنده سیاسی به مردم و بویژه زحمتکشان کردستان شناساند.

ما طی این دوره بارها از حزب دمکرات خواستیم که از خصومت قهرآمیز با کارگر و زحمتکش گرد و ستیزه جویی مسلحانه با نیرویی که پرچم آرمانهای کارگری در کردستان را برافراشته است و در دل زحمتکشان کردستان جای گرفته است، دست بردارد. ما بارها از حزب دمکرات خواستیم که دمکراسی در کردستان و شرایط فعالیت آزادانه زحمتکشان و نیروها و احزاب سیاسی در آن را محترم بشمارد. ما به حزب دمکرات هشدار دادیم که نمیتوان به زور اسلحه کومهله را وادار به سازش بر سر سیاستها و اهداف خود نمود و این تقلا جز لطمه زدن به جنبش خلق گرد در مقابله اش با جمهوری اسلامی و رسوایی و انزوای سیاسی برای حزب دمکرات حاصلی نخواهد داشت. ناکامی های نظامی پی در پی حزب دمکرات در جنگ با کومهله و امروز انشعاب و بحران آن، حقانیت پیشن بینی ها و هشدارهای ما را به ثبوت رسانده است.

کومهله در برابر سیاست جنگی و ارتجاعي حزب دمکرات با قاطعیت ایستاد. هدف ما این بود که بی حاصلی این سیاست به حزب دمکرات اثبات شود و شرایطی فراهم گردد که در آن نیروهای ما بتوانند فارغ از مزاحمت حزب دمکرات، به هدف اساسی خود، یعنی نبرد با رژیم ارتجاعي جمهوری اسلامی معطوف گردند. امروز حزب دمکرات از لحاظ توانائیهای عملی خود به چنان موقعیتی سوق پیدا کرده است که دیگر قادر به ایجاد مزاحمت جدی بر سر راه فعالیت کومهله نیست. لذا از آنجا که هدف ما نه انتقام جویی از حزب دمکرات بلکه رسیدن به شرایطی است که در آن دمکراسی در کردستان برای آگاهگری و سازمانیابی طبقه کارگر بر قرار بماند و حقوق اولیه مردم زحمتکش و فعالیت آزادانه احزاب و نیروهای سیاسی مورد تعرض قرار نگیرد، و نیز بنا به مصالح جنبش انقلابی مردم کردستان در مقابله با جمهوری اسلامی، از تاریخ صدور این اطلاعیه از جانب خود با هر دو بخش جریانی که به نام حزب دمکرات کردستان ایران فعالیت میکنند، آتس بس و ختم جنگ اعلام میکنیم.

اضافه میکنیم که حزب دمکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی طی اعلامیه ای به سهم خود ختم جنگ با کومهله را اعلام کرده است. ما این حرکت را گامی مثبت ارزیابی میکنیم. اعلام ختم جنگ از هر دو طرف این امکان را فراهم میکند تا طرفین مناسبات خود را به طور مسالمت آمیز و در یک فضای تفاهم و براساس موازین دمکراتیک تنظیم کنند. سیاست ما مبنی بر اعلام یک جانبه‌ی آتش بس بر مبنای مسئولیت کومهله در قبال جنبش انقلابی مردم کردستان و در نظر گرفتن مصالح مبارزه سراسری علیه جمهوری اسلامی اتخاذ گردیده است. ما اعلام میکنیم مادام که هر جریانی از حزب دمکرات علیه کومهله دست به اقدام مسلحانه نزنند و به زور اسلحه مانعی بر سر راه سازمانیابی و فعالیت سیاسی کارگران و زحمتکشان کردستان ایجاد نکنند، کومهله علیه آن دست به اسلحه نخواهد برد. در عین حال از آن بخش حزب دمکرات که تحت نام کنگره هشتم فعالیت میکند و هنوز سیاست تداوم جنگ با کومهله را کنار نگذاشته است می خواهیم که بیش از این در مقابل خواست توده های مردم نایستد و ختم جنگ و اصل احترام به دمکراسی را بپذیرد.

کمیته مرکزی سازمان کردستان حزب کمونیسیت ایران - کومهله

۱۳۶۷/۲/۳

نشریه حزب کمونیسیت کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیسیت مقاله میفرستید:

سر دبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیسیت تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی
کمونیسیت

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیسیت

کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال

آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و

دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:

<https://altermative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!